

■ سال بیست‌وهفتم ■ شماره ۷۵۷۶ ■ شنبه ۹ اسفند ۱۳۹۹

<p>تلفن: ۸۸۷۶۱۷۴۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۴۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵</p> <p>پایگاه: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸</p> <p>مصدوق پستی: ۵۳۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰</p> <p>چاپ: شرکت چاپ جام‌چم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی/ چاپخانه جام‌چم برتر برنا</p> <p>سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه اینزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT</p> <p>تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)</p> <p>انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲-http://irannewspaper.ir</p>	
<p>مدیرمسئول: مهدی شفیعی</p> <p>سرمدبیر: جواد دلیری</p>	
<p>اذان ظهر ۱۲/۱۷ اذان مغرب ۱۸/۱۶ نیمه شب شرعی ۲۳/۳۵ اذان صبح فردا ۵/۱۲ طلوع آفتاب فردا ۶/۳۵</p>	

پایام‌اکرم(ص):

از نرفین مظلوم بترسید که چون شعله آتش برآسمان می‌رود.

سخن روز



نگاره

پریسا نور الهی

گفت‌وگو

#کرونا

شیوع کرونا۱ انگلیسی، بالا رفتن تعداد شهرهای قرمز **هشتگ** و افزایش تعداد مبتلایان و البته خبرهایی که درباره کرونا۱ ایرانی منتشر شد باعث شده هرروز نوشته‌های بیشتری درباره این ماجراها در شبکه‌های اجتماعی بخوانیم. اعتراض به قرنطینه نشدن خوزستان و شرایط بد این استان هم همچنان یکی از مهم‌ترین بحث‌های شبکه‌های اجتماعی است: «کرونا تمام اهواز رو سیاه کرده، بیمارستان‌ها پذیرش نمی‌کنند مگر اینکه رو به موت باشی اما هیچ مسئولی حتی یک روز رو تعطیل اعلام نمیکنه حالا به‌نظر شما منی که می‌پرسم چرا تعطیل نمی‌کنید گناکارم؟»، «هر روز تیتیر می‌زنن وضعیت فلان شهر باز نارنجی یا قرمز شد و ویروس جدید به فلان شهر هم وارد شد، شما که محدودیت ساعت تا ۴ گذاشتین چرا ممنوعیت تردد بین شهرها با هر وسیله‌ای -خصوصی یا عمومی- رو نمی‌ذارید پس؟ بعد این وبس به عده هم که راه میفتن از یه شهر دیگه میان تهران که چی؟ برن خرید عید»، «سال۹۸- بیماری به اسم کرونا اومه سرعت سرایتش خیلی بالاس چیکار کنیم؟»، «ماسک بزن دست‌هات هم بشور! سال ۹۹- کرونا۱ انگلیسی اومه چند برابر وحشی‌تر از کرونا قبلی، الان چیکار کنیم؟»، «دوتا ماسک بزن دستا تو هم دوبار بشور»، «خبر رسیده در استان خوزستان کرونا۱ انگلیسی درحال جولان داده؛ لامصب این انگلیسیا حتی ویروسشون

شهر وند مجازی
<div>بگانه خدماتی</div>

پایان مجله فیلم؟

خبرهایی که درباره قطع همکاری هوشنگ گلمکانی و عباس یاری نویسنده و منتقد قدیمی سینما و از بنیانگذاران مجله فیلم با این مجله منتشر شد بازتاب زیادی میان کاربران شبکه‌های اجتماعی داشت. خیلی‌ها از خاطرات‌شان با این مجله و خواندن آن نوشتند و خیلی‌ها هم دلیل این اتفاق را بررسی کردند: «مرحوم مسعود مهربانی با وجود اختلاف و مشکل، در بدترین روزهای کاغذ و بی‌توجهی مخاطب، با همراهی دوبار دیگرش؛ عباس یاری و هوشنگ گلمکانی، مجله فیلم را زنده نگه داشت. حالا، مطمئناً اگر بود، نتش از رفتار نامعترم پیرش با یارانش می‌لرزد.اعتبار یک خانه به صاحب‌خانه‌اش است»، «من هم از آن مشترک‌های مجله فیلم بودم که -چون پست مجله را دبیر می‌آورد- مجله را می‌خریدم و از اغلب شماره‌ها دوتا تا داشتم، اما از دعای صاحب تازه مجله با دو همکار قدیمی چیزی نمی‌دانم. از جزئیات اختلاف مرحوم مهربانی با همکاران هم مطلع نیستم. پس بهتر است سکوت کنم و حرف مفت نزنم.»، «آخرین باری که مجله فیلم خریدید یک ی بود؟»، «مجله فیلم» هم به خاطره‌ها پیوست.»، «در فرهنگی که عمر شراکت سالمی اندازه یک ماه عسل است و یک نشان تجاری تا پایان عمر بنیانگذارش دوام دارد و وارثان هر کدام با عنوان «این مکان شعبه دیگری

کارگردان‌های جوان از آثار حرفه‌ای تقلید نکنند

مهدی فخم‌زاده:فیلم‌های کوتاهی که در چهاردهمین جشنواره ملی فیلم کوتاه رضوی دیدیم نشان می‌دهد فیلمسازان کوتاه اصول فیلمسازی را می‌شناسند اما آنچه نیاز است فکرهای نو و تازه است. اگرچه این رویداد موضوعی و درباره امام رضا(ع) است اما لزوماً فیلم‌ها نباید تاریخی و مذهبی باشند بلکه موضوعاتی که با سیره و اخلاق حضرت مرتبط باشند، انتخاب می‌شوند. نکته حائزاهمیتی که جوان‌ها باید به آن دقت کافی داشته باشند آن است که نباید به‌دنبال تقلید از آثار حرفه‌ای بروند و به‌جای آن به سمت نوآوری و خلق‌های تازه گرایش پیدا کنند و خوشبختانه آثاری که ما در جشنواره فیلم کوتاه رضوی دیدیم خالی از این نوع نگاه نبود. آثار اکشن خوب است و ما را غافلگیر می‌کند اما فیلمسازان باید به فکر سوزه‌های نو و آشنایی با درام باشند. اینکه شخصیت چیست؟ اصول دراماتیک و کشمکش چیست و چه جذابیت‌هایی را می‌توان به اثر افزود؟ فیلمساز باید سوزه‌های جدیدی را کشف کند و در نهایت به مسائل فنی و قواعد کار برسد.

بخشی از گفت‌وگوی این کارگردان با خبرگزاری مهر در حاشیه چهاردهمین جشنواره ملی فیلم کوتاه رضوی



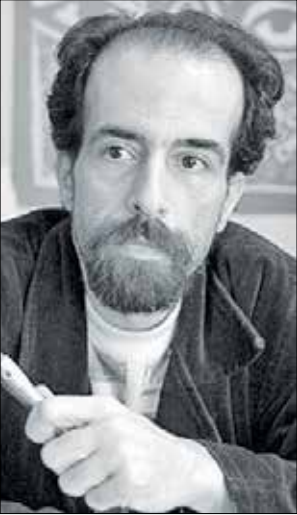
محمد رضا الوند از چهره‌های فعال تئاتر دیروز به خاک سپرده شد

لحن گفت‌وگو در باره خطوط قرمز را می‌شناخت

رفع و پیگیری آن بود و وجود و بروز مشکلات را کتمان نمی‌کرد و موقعیت شغلی خود را ارجح بر حل مشکلات نمی‌دانست و همین باعث می‌شد که سکوت نکند و شاید به خاطر همین مواضع صریح‌اش آن‌طور که باید و شاید در بسیاری از مناسبات ورود نمی‌کرد.

از سوی دیگر، الوند تحصیلکرده نمایش بود و به حوزه متن اشراف داشت و در بازی‌نی‌هایش این نکته‌های فنی را مدنظر قرار می‌داد و اهل گفت‌وگو بود و پای حرف جوان‌ها می‌ایستاد. نه سفارش قبول می‌کرد و نه اجازه می‌داد حقی از کسی ضایع شود.

الوند همان‌طور که گفته شد صرفاً یک بازیبن نبود که خط قرمزها را مشخص کند یا نکات ممیزی و اخلاقی را بگوید. از نظر من او بسیار نکته‌سنج بود و نمایشی را که خوب بود رها نمی‌کرد و آن را به سالن‌ها و مدیران فرهنگی معرفی می‌کرد تا از آن حمایت شود و همین کارش باعث شد خیلی از جوان‌های آن زمان وارد بازار شوند که محمدرضا الوند یک استعدادیاب هم بود و با اینکه اصلاً وظیفه و حوزه‌اش نبود اما این دغدغه را داشت و همیشه دنبال آن بود که چهره‌های مستعد را معرفی کند.



قافیه هز ارساله قصیده عشق

شاید در هیچ یک از نظام‌های فرهنگی جهان به اندازه فرهنگ ایرانی و عربی مرسوم نباشد که برای جاودان‌سازی چیزی یا کسی، از شعر استفاده شود. یونانی‌ها وقتی قصد می‌کردند شخصی را ابدیت ببخشند مجسمه‌ای از او می‌ساختند؛ رومی‌ها تماتلش را نقاشی می‌کردند؛ آلمانی‌ها برایش سرود و سمفونی تصنیف می‌کردند و شرقی‌های هندو یا بودایی به افتخارش داستان نامه‌های اساطیری می‌پرداختند. شاید فقط ایرانیان و اعراب باشند که وقتی بخواهند فردی را به ابدیت پیوند بزنند و در خاطره قومی یا وجدان جمعی جاودانه کنند برایش شعر می‌سرایند و عملاً به شعر تبدیلش می‌کنند. شعر برای فرهنگ ایرانی، گذرگاه امنی برای رسیدن به خلود و جاودانگی بوده است.

به این اعتبار است که در سنت ادبی و ذخیره شعری ایرانیان، گنجینه بالابندی از مرائی و مناقب و مدایح علوی می‌توان سراغ گرفت که نشان‌دهنده مهر این فرهنگ به امام عدل و اخلاق، علی بن ابی‌طالب (ع) است. این سنت ستبر شعری که سابقه‌ای دست‌کم هزارساله دارد بیش از هر چیز نشان می‌دهد روح جمعی ایرانیان و سرشت فرهنگ ایرانی، مطلوب‌ها و محبوب‌های اخلاقی و انسانی خود را در عالی‌ترین شکل ممکن در شخصیت علوی و سیره مرضوی می‌یابد. به حکم همین دلدادگی است که مجموعه‌ای بی‌زوال از شعر فراهم آورده است تا تمام ادوار زندگی آن امام را از تولد تا شهادت، از عبادت تا حکمرانی، از قهقر تا مهر، از جنگ و جهاد تا دانش و اجتهاد و... برای خود و در خاطره جمعی و قومی‌اش جاودان سازد. فرهنگ ایرانی با این کار، توکوینی عزیزترین و ارجمندترین و پربهاترین سرمایه معنوی‌اش را

نثار ساخت مرضوی کرده است. «جاری‌ترین عشق» که چندی پیش به همت سید مصطفی علوی تدوین و منتشر شد جست و جویی هزار صفحه‌ای در تاریخ شعر فارسی است تا از ۲۳۰ شاعر دیروز و امروز، بیش از ۷۰۰ نمونه شعری در مح و منقبت پیشوای پارسیان، امام علی (ع) دستچین و گلچین کند و به مجموعه‌ای شوق انگیز و دیده‌گشا عرضه نماید. مؤلف در مقدمه‌ای جامع و مطول، به سنت و سابقه شعر علوی در تاریخ ادب فارسی پرداخته است و پس از آن، فهرست بلندی از شاعران قدیم و جدید فراهم آورده و به ترتیب القبا از آذری طوسی، شاعر قرن هشتم آغازکرده و به ناهید یوسفی، شاعره هم‌روزگار ما ختم کرده است. نمایه‌های متنوع در پایان کتاب نیز شأن علمی و پژوهشی اثر را تحکیم کرده است. در ایام زادروز و فرخنده و فرح افزای مراد مؤمنان و پناه درماندگان و پیشوای پرهیزگاران، امام علی بن ابی‌طالب(ع) این ابیات استوار از قصیده بلند سنایی غزنوی به نقل از «جاری‌ترین عشق» بهترین چشم روشنی به اهل معنا و معرفت است:

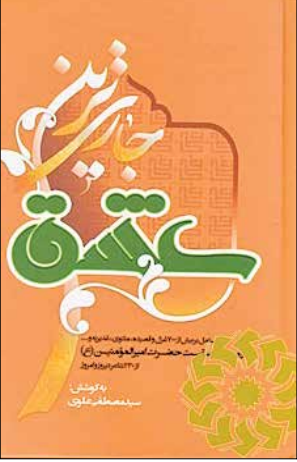
بحر پریرکنشی است لیکن جمله در گرداب خوف/ بی‌سقیفه نوخ نتوان چشم معبر داشتن

چون همی دانی مدینه علم را حیدر، در است/ خوب نبود جز که حیدر میر و مهتر داشتن

■ **جاری‌ترین عشق**

■ **به کوشش سید مصطفی علوی**

■ **انتشارات مهرگان دانش**



یک تابلوی نقاشی از نوسنان وگنوگ نقاش مشهور هلندی بانام «منظره خیابانی در مونیاتر» برای نخستین‌بار به‌نمایش گذاشته می‌شود.

این تابلو به‌روز سال ۱۸۸۷ وزمانی که وگنوگ در پاریس حضور داشت خلق و سال ۱۹۲۰ توسط یک مجموعه‌دار فرانسوی خریداری شد. این اثر بیش از یک قرن در این مجموعه خانوادگی نگهداری شد و هرگز به نمایش گذاشته نشد.

قرار است «منظره خیابانی در مونیاتر» در حراجی ماه مارس ساتنیز به قیمت تخمینی ۵ تا ۸ میلیون یورو فروخته شود اما پیش از آن در لندن، آمستردام و پاریس به نمایش گذاشته می‌شود.



آدم‌های بزرگ فکری از پیش ساخته شده‌ای دارند و هرگز خیال‌بافی نمی‌کنند و هرگز هم نمی‌توانند فکر کنند که چیز دیگری غیر از دانسته‌های آنها هم می‌تواند وجود داشته باشد.

تیستو سبز انگشتی موریس دروونون لیلی گلستان



سعید پورصمیمی: بازیگر سینما و تئاتر و تلویزیون سال ۱۳۲۲ در چنین روزی به دنیا آمد. سعید پورصمیمی کارش را با تئاتر آغاز کرد و سال ۱۳۴۰ با تشکیل گروه بازارگاه همراه پرویز پورحسینی، پرویز فنی‌زاده و اسماعیل پورحسینی وارد بازیگری شد. «آندورا»، «پژوهشی ژرف و سترگ»، «استتنا وقاعده»، «ریچارد سوم»، «بازرسی»، «خسب» و «هنر» نمایش‌هایی بود که پورصمیمی در آنها بازی کرد. سال ۱۳۶۵ با بازی در «ناخدا خورشید» وارد سینما شد و لوح زرین بهترین بازیگر نقش مکمل مرد را از جشنواره فیلم فجر گرفت. پس از آن او را در فیلم‌های «تحفه‌ها»، «تا غروب»، «پرده آخر»، «مدرسه پیرمردها»، «دلشدگان»، «آبادانی‌ها»، «زشت و زیبا»، «سرزمین خورشید»، «عروس آتش»، «اینجا چراغی روشن است»، «معادله»، «قاعده بازی»، «به حبه قند»، «بوسیدن روی ماه»، «در سکوت»، «گلمبوس» و «دوزیست» دیدیم که برای «پرده آخر» برنده سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش مکمل مرد از جشنواره فیلم فجر شد. پورصمیمی در تلویزیون هم بسیار فعال بود و پس از بازی در چند تله تئاتر در سریال «سلطان صاحبقران» بازی کرد و سال ۱۳۷۳ با بازی در سریال «در پناه تو» بیشتر به شهرت رسید. «بچه‌های خیابان»، «نشانی»، «ماه عسل»، «طونه فامیلی» و «سیر و سرکه» دیگر سریال‌هایی است که با بازی پورصمیمی پخش شده‌اند.



الیزابت تیلور: امروز هشتاد و نهمین سالروز تولد بازیگر انگلیسی و مشهور هالیوود است. الیزابت تیلور از نوجوانی بازیگری را آغاز کرد و سال ۱۹۴۴ با بازی در «ولوت ملی» به یک ستاره محبوب نوجوان تبدیل شد. سال ۱۹۵۰ با بازی در «پدرعروس» بیشتر مورد توجه قرار گرفت و بازی‌اش در «مکنی در آفتاب» از سوی منتقدان تحسین شد. «غول»، «آیوانوو»، «گریه روی شیروانی داغ»، «ناگهان تابستان گذشته»، «باترپاتر»، «کلتوپاتر»، «مرغ دریایی»، «چه کسی از ویرجینیا وولف می‌ترسد»، «رام کردن زن سرکش»، «همراستری از دور خارج شده» و «چهارشنبه خاکستر» شاخص‌ترین فیلم‌ها و بازی‌های تیلور در سینما بودند. او در دهه ۵۰ میلادی یکی از مشهورترین و محبوب‌ترین ستارگان هالیوود بود و سال ۱۹۹۹ بنیاد فیلم امریکا او را به عنوان هفتمین زن افسانه بزرگ پرده سینما معرفی کرد. تیلور برای «باترفیلد ۸» و «چه کسی از ویرجینیا وولف می‌ترسد» برنده جایزه اسکار شد. او سال ۲۰۱۱ درگذشت.

● **سالروز تولد جان اشتاین بک** نویسنده امریکایی، **علی سربابی** بازیگر، **داوود داداشی** بازیگر، **محمدرضا کریمی** کارگردان و بازیگر، **مریم ساحلی** داستان نویس، **حسن فرازمنده** شاعر، **طیبه گوهری** داستان نویس، **محمدرضا نعمتی‌زاده** شاعر، **کیت مارا** بازیگر امریکایی و **جاش گروین** خواننده امریکایی هم امروز است.

■ **درگذشت‌ها**



خسایار الوند:فیلمنامه‌نویس جوانی که او را با نوشتن فیلمنامه «پایتخت» می‌شناسید سال ۱۳۹۷ در چنین روزی درگذشت. خسایار الوند متولد ۱۳۴۶ بود و با بازی در فیلم «آوار» به کارگردانی برادرش سیروس الوند در سال ۱۳۶۳ کارش را آغاز کرد؛ در دهه ۷۰ به عنوان فیلمنامه‌نویس کارش را ادامه داد و فیلمنامه فیلم‌های «مزارح» و «برگ برنده» را نوشت. سال ۱۳۸۲ یکی از نویسندگان مجموعه طنز نقطه چین» شد و پس از آن بیشتر نویسنده سریال‌های طنز مانند «کمربندها را ببندیم»، «شب‌های برره»، «باغ مظفر»، «گنج مظفر»، «مرد هزار چهره»، «مرد دو هزار چهره»، «مفسران» و «قهوه تلخ» شد. الوند سال ۱۳۹۰ یکی از نویسندگان سریال «پایتخت» شد تا س‌ری پنجم این سریال نویسنده آن باقی ماند. «خانه اجاره‌ای»، «دست بالای دست»، «ساخت ایران»، «ویلا ی من»، «شوخی کردم»، «در حاشیه»، «دیوار به دیوار» و «گلشیشه» دیگر کارهایی است که با نویسندگی خسایار الوند دیدیم. ● **مجید وفادار:** آهنگساز و نوازنده مشهور ویولن سال ۱۳۵۴ درگذشت. مجید وفادار متولد۱۲۹۱ بود و از حسین خان اسماعیل‌زاده ناوختن ویولن را آموخت و پیش در آمده‌ها و ضرب‌ها و ردیف میرزا حسنقلی را هم از استادانی همچون رضا محجوبی و علی اکبر شهنزایی یاد گرفت. سال ۱۳۱۵ اولین ترانه‌اش را با نام «شب جدایی» ساخت و با استقبال مواجه شد و پس از آن رهبر ارکستر شماره ۳ رادیو شد. او در سال‌های فعالیتش با هنرمندانی همچون حسین قوامی، داریوش رفیعی، مرتضی محجوبی و رهی معیری همکاری کرد و حدود ۴۰۰ قطعه ساخت که «مرا بیوس» با صدای حسن گل نراقی مشهورترین آنهاست. «عاشقم من»، «گل اومد بهار اومد»، «به سوی تو»، «زهره»، «دوست» و «منتظر بودم» مشهورترین ترانه‌هایی است که وفادار آهنگساز آنها بود.

● **تقی ظهوری** بازیگر، **مهری وودادیان** بازیگر و **ایران بزرگمهری** راد دیولور هم در چنین روزی درگذشتند.



عکس نوشت

یک تابلوی نقاشی از نوسنان وگنوگ نقاش مشهور هلندی بانام «منظره خیابانی در مونیاتر» برای نخستین‌بار به‌نمایش گذاشته می‌شود.

این تابلو به‌روز سال ۱۸۸۷ وزمانی که وگنوگ در پاریس حضور داشت خلق و سال ۱۹۲۰ توسط یک مجموعه‌دار فرانسوی خریداری شد. این اثر بیش از یک قرن در این مجموعه خانوادگی نگهداری شد و هرگز به نمایش گذاشته نشد.

قرار است «منظره خیابانی در مونیاتر» در حراجی ماه مارس ساتنیز به قیمت تخمینی ۵ تا ۸ میلیون یورو فروخته شود اما پیش از آن در لندن، آمستردام و پاریس به نمایش گذاشته می‌شود.